

معرفی کتاب

گره‌گشایی از مشروح ترین حادثه قرن حاضر در ایران

«مشروطه به روایت کسروی»



احمد کسروی (۱۲۶۹ - ۱۳۲۴ خورشیدی)، تاریخ‌نگار، نام‌آشنا، زبان‌شناس، پژوهشگر، روزنامه‌نگار، حقوق‌دان و وکیل دعاوی است که تاریخ را پژوهشگرانه نگریست و به آن پرداخت و آثارش همچنان خواننده می‌شوند و منبع ارجاع بسیاری از تاریخ‌نگاران پس از خود شده است. وی درباره انقلاب مشروطیت صاحب دو اثر سترگ به نام «تاریخ مشروطه ایران» و «تاریخ هجده ساله آذربایجان» است که از مهمترین مدارک و منابع مربوط به مطالعات مشروطه محسوب می‌شود و همواره مرجع اصلی پژوهشگران این عرصه بوده است. با وجود این که از بدو انتشار تاکنون، نظرات متفاوتی در موافقت و مخالفت با این دو کتاب ابراز شده است، چاپ‌های متعدد با شمارگان بالا نشانگر توجه فراوان محققین، دانشگاهیان، علاقه‌مندان تاریخ مشروطه و کتابخوانان به این آثار است. اقبال عمومی به آثار کسروی درباره مشروطیت، جنبه‌ای کلاسیک به آن‌ها بخشیده و به همین دلیل است که کتابی درباره مشروطه به چاپ نمی‌رسد که از جایی از این دو کتاب در آن وجود نداشته باشد. این کتاب‌ها علاوه بر ایران، در خارج از کشور نیز دارای شهرت است و به زبان‌های عربی و انگلیسی ترجمه شده است. کتاب حاضر که بر اساس یادداشت‌های کسروی در روزنامه پرچم در سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ خورشیدی فراهم آمده، سومین اثر وی درباره مشروطیت است که برای نخستین بار در قالب کتاب به چاپ رسیده است. یادداشت‌های کسروی در روزنامه پرچم درباره رجال و حوادث انقلاب مشروطه که از آن و ساختار کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد، شامل ۶ موضوع است: هواخواهان مشروطه، بدخواهان مشروطه، گروه سوم، یک‌سند تاریخی، یک عکس تاریخی، از این جا و از آن جا. این اثر علاوه بر این که خلاصه کتاب‌های «تاریخ مشروطه ایران» و «تاریخ هجده ساله آذربایجان» است، ادامه و کامل‌کننده این کتاب‌ها نیز هست، زیرا دارای تفاوت‌ها، افزوده‌ها، دآوری‌ها، اظهار نظرات و توضیحاتی است که در آن کتاب‌ها نیامده است. «ثبت وقایع در تاریخ»، «قدر دانی از قهرمانان و کوشندگان مشروطه»، «زنده نگه داشتن نام مجاهدان گمنام مشروطه» و «تکوین بدخواهان و دشمنان مشروطه» از مهم‌ترین دلایل و انگیزه‌های کسروی در نگارش این یادداشت‌هاست.

بزرگ‌ترین دستاورد شما چیست؟

توجه فراوان محققین، دانشگاهیان، علاقه‌مندان تاریخ مشروطه و کتابخوانان به این آثار است. اقبال عمومی به آثار کسروی درباره مشروطیت، جنبه‌ای کلاسیک به آن‌ها بخشیده و به همین دلیل است که کتابی درباره مشروطه به چاپ نمی‌رسد که از جایی از این دو کتاب در آن وجود نداشته باشد. این کتاب‌ها علاوه بر ایران، در خارج از کشور نیز دارای شهرت است و به زبان‌های عربی و انگلیسی ترجمه شده است. کتاب حاضر که بر اساس یادداشت‌های کسروی در روزنامه پرچم در سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ خورشیدی فراهم آمده، سومین اثر وی درباره مشروطیت است که برای نخستین بار در قالب کتاب به چاپ رسیده است. یادداشت‌های کسروی در روزنامه پرچم درباره رجال و حوادث انقلاب مشروطه که از آن و ساختار کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد، شامل ۶ موضوع است: هواخواهان مشروطه، بدخواهان مشروطه، گروه سوم، یک‌سند تاریخی، یک عکس تاریخی، از این جا و از آن جا. این اثر علاوه بر این که خلاصه کتاب‌های «تاریخ مشروطه ایران» و «تاریخ هجده ساله آذربایجان» است، ادامه و کامل‌کننده این کتاب‌ها نیز هست، زیرا دارای تفاوت‌ها، افزوده‌ها، دآوری‌ها، اظهار نظرات و توضیحاتی است که در آن کتاب‌ها نیامده است. «ثبت وقایع در تاریخ»، «قدر دانی از قهرمانان و کوشندگان مشروطه»، «زنده نگه داشتن نام مجاهدان گمنام مشروطه» و «تکوین بدخواهان و دشمنان مشروطه» از مهم‌ترین دلایل و انگیزه‌های کسروی در نگارش این یادداشت‌هاست.

اگر می‌خواستید جای کسی یا چیزی باشید، تمایل داشتید جای چه کسی یا چه چیزی می‌بودید؟

من شخص خاصی را مدنظر ندارم و فکر نمی‌کنم که می‌خواستم جای کسی غیر از خودم باشم.

بزرگ‌ترین دستاورد شما چیست؟

توجه فراوان محققین، دانشگاهیان، علاقه‌مندان تاریخ مشروطه و کتابخوانان به این آثار است. اقبال عمومی به آثار کسروی درباره مشروطیت، جنبه‌ای کلاسیک به آن‌ها بخشیده و به همین دلیل است که کتابی درباره مشروطه به چاپ نمی‌رسد که از جایی از این دو کتاب در آن وجود نداشته باشد. این کتاب‌ها علاوه بر ایران، در خارج از کشور نیز دارای شهرت است و به زبان‌های عربی و انگلیسی ترجمه شده است. کتاب حاضر که بر اساس یادداشت‌های کسروی در روزنامه پرچم در سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ خورشیدی فراهم آمده، سومین اثر وی درباره مشروطیت است که برای نخستین بار در قالب کتاب به چاپ رسیده است. یادداشت‌های کسروی در روزنامه پرچم درباره رجال و حوادث انقلاب مشروطه که از آن و ساختار کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد، شامل ۶ موضوع است: هواخواهان مشروطه، بدخواهان مشروطه، گروه سوم، یک‌سند تاریخی، یک عکس تاریخی، از این جا و از آن جا. این اثر علاوه بر این که خلاصه کتاب‌های «تاریخ مشروطه ایران» و «تاریخ هجده ساله آذربایجان» است، ادامه و کامل‌کننده این کتاب‌ها نیز هست، زیرا دارای تفاوت‌ها، افزوده‌ها، دآوری‌ها، اظهار نظرات و توضیحاتی است که در آن کتاب‌ها نیامده است. «ثبت وقایع در تاریخ»، «قدر دانی از قهرمانان و کوشندگان مشروطه»، «زنده نگه داشتن نام مجاهدان گمنام مشروطه» و «تکوین بدخواهان و دشمنان مشروطه» از مهم‌ترین دلایل و انگیزه‌های کسروی در نگارش این یادداشت‌هاست.

اگر می‌خواستید یک شخصیت تاریخی باشید، ترجیح می‌دادید کدام شخصیت باشید و اگر با او مواجه می‌شدید به او چه توصیه‌ای می‌کردید؟

آبراهام لینکلن. به او توصیه می‌کردم حتماً یک دوره تناثر و نمایشنامه را در تناثر فورد بگذراند (باخنده).

سه ویژگی که بسیار برای شما حائز اهمیت است؟

مهربانی، صداقت و شوخ‌طبعی.

نویسندگان مورد علاقه شما چه کسانی هستند؟

اسکات فیتز جرالسد، ارنست همینگوی، جان اشتاین بک، چارلز دیکنز، جیمز لی برک.

از نظر شما پنج کتاب ماندگار برای همه دوران‌ها کدام کتاب‌ها هستند؟

کشتن مرغ مقلد نوشته هارپر لی، خوشه‌های خشم جان اشتاین بک، پیرمرد و دریای ارنست همینگوی، ناپلور دشت نوشته سالیانجر و آرزوهای بزرگ نوشته چارلز دیکنز.

من عمیقاً به ضرورت برپایی عدالت در جهان اعتقاد دارم و آن چه مرا علاقه‌مند به پایبندی به این ایده آل‌ها می‌کند، تلاش برای حفظ آن‌هاست. آن‌هم در جهانی که شمار اوادار به انجام کارهایی می‌کنند که بنا بر میل شما نیست و یا این که شمار اغوامی‌کنند

بله. من عمیقاً به ضرورت برپایی عدالت در جهان اعتقاد دارم. خانواده مهمترین رابطه‌ای است که در طول زندگی‌تان تجربه می‌کنید. بنابراین آن چه که مرا علاقه‌مند به پایبندی به این ایده آل‌ها می‌کند، تلاش برای حفظ آن‌هاست. آن‌هم در جهانی که شمار اوادار به انجام کارهایی می‌کنند که بنا بر میل شما نیست و یا این که شمار اغوامی‌کنند.

موفق‌آید که فضای مصاحبه را با یکسری از پرسش‌ها پاسخ‌های کوتاه عوض کنیم؟

بله، موافقم.

اگر بخواهید زندگی‌تان را در پنج واژه توصیف کنید، چگونه توصیف می‌کنید؟

خانواده، نوشتن، بازخورد، دیسیپلین و رویا که عضو جدایی‌ناپذیر زندگی من است.

توسن‌بزرگ شما چیست؟

از درد جسمی می‌ترسم، و گرنه من تهدیدهای عذاب‌آور تجربه کرده‌ام.

غیر از جایی که در آن سکونت دارید، جای دیگری از جهان را برای زندگی انتخاب کنید، کجا را انتخاب می‌کردید؟

هر جایی که گرم باشد و بتوانید لب ساحل را تماشای دریا لذت ببرید. البته باید اعتراف کنم زمستان‌های مینه‌سوتا هم دوست‌داشتنی است.

اگر از اتفاقی در زندگی‌تان بیشتر پشیمان هستید؟

من گزرتن نواختن یک ساز را یاد نگرفتم. و اگر اکنون در جمع عده‌ای از موزیسین‌ها بنشینم، به ناچار سکوت می‌کنم. چون چیزی از موسیقی نمی‌دانم و این خود به مثابه یک ضربه مهلک خواهد بود.

اگر می‌توانستید استعدادی کسب کنید، ترجیح می‌دادید در چه زمینه‌ای آن استعداد را کسب کنید؟

بی‌شک دوست داشتم استعداد رامشگری داشته‌م؛ نظیر فرد آستر یا جین کلی.

روایت‌های موجود در آثار شما با رویا و افسانه درهم آمیختگی دارد. برای این کار از چه روشی بهره می‌گیرید؟

همه چیز به شیوه ساخت روایت شما بستگی دارد، اصولاً روایت به علت خاطرهم‌جود بودنش با رویا و واقعیت درهم آمیختگی دارد. بنابراین نحوه پرداخت شما و چگونگی ساخت آن نقش بسزایی دارد.

نویسندگان به سمت فضاهایی حرکت می‌کنند که کارکرد خاصی برایشان داشته باشد؛ مثلاً شما در بسیاری از آثارتان از تم‌هایی نظیر خانواده، وابستگی خویشاوندی، عدالت و وفاداری سخن می‌گویید. آیا فکری پشت این تم‌ها وجود دارد؟

بله. من عمیقاً به ضرورت برپایی عدالت در جهان اعتقاد دارم. خانواده مهمترین رابطه‌ای است که در طول زندگی‌تان تجربه می‌کنید. بنابراین آن چه که مرا علاقه‌مند به پایبندی به این ایده آل‌ها می‌کند، تلاش برای حفظ آن‌هاست. آن‌هم در جهانی که شمار اوادار به انجام کارهایی می‌کنند که بنا بر میل شما نیست و یا این که شمار اغوامی‌کنند.

موفق‌آید که فضای مصاحبه را با یکسری از پرسش‌ها پاسخ‌های کوتاه عوض کنیم؟

بله، موافقم.

اگر بخواهید زندگی‌تان را در پنج واژه توصیف کنید، چگونه توصیف می‌کنید؟

خانواده، نوشتن، بازخورد، دیسیپلین و رویا که عضو جدایی‌ناپذیر زندگی من است.

توسن‌بزرگ شما چیست؟

از درد جسمی می‌ترسم، و گرنه من تهدیدهای عذاب‌آور تجربه کرده‌ام.

غیر از جایی که در آن سکونت دارید، جای دیگری از جهان را برای زندگی انتخاب کنید، کجا را انتخاب می‌کردید؟

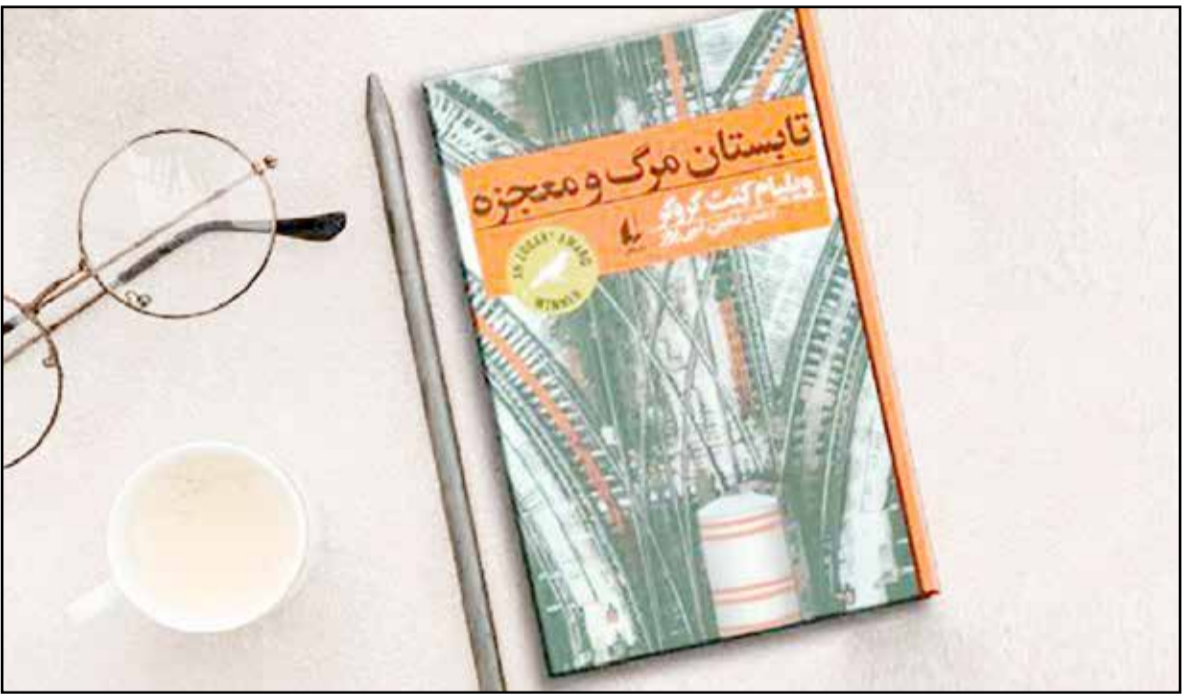
هر جایی که گرم باشد و بتوانید لب ساحل را تماشای دریا لذت ببرید. البته باید اعتراف کنم زمستان‌های مینه‌سوتا هم دوست‌داشتنی است.

اگر می‌توانستید استعدادی کسب کنید، ترجیح می‌دادید در چه زمینه‌ای آن استعداد را کسب کنید؟

بی‌شک دوست داشتم استعداد رامشگری داشته‌م؛ نظیر فرد آستر یا جین کلی.

روایت‌های موجود در آثار شما با رویا و افسانه درهم آمیختگی دارد. برای این کار از چه روشی بهره می‌گیرید؟

همه چیز به شیوه ساخت روایت شما بستگی دارد، اصولاً روایت به علت خاطرهم‌جود بودنش با رویا و واقعیت درهم آمیختگی دارد. بنابراین نحوه پرداخت شما و چگونگی ساخت آن نقش بسزایی دارد.



من تلاش کرده‌ام نسبت به موضوعاتی مانند نژاد و کلیشه‌های مربوط به آن حساس باشم. چرا که احساس می‌کنم، قلب انسان‌ها با نژاد آن‌ها می‌تپد، اما در وهله اول سعی کرده‌ام به انسان بیاندیشم و سپس به انسان به عنوان عضو خاصی از فرهنگ یک منطقه بپردازم.

چه زمانی و چگونه شروع به نوشتن کردید؟

من همیشه می‌نوشتم و بر این باورم که نوشتن مرتبط با چگونه زندگی کردن و ساختن زندگی است. مرکز پرورش سیاستمداران آینده آمریکا است؛ هر چند که بعدها او نه تنها درس عبرتی از این تجربه نگرفت، بلکه به کلی درس و تحصیل را رها کرد تا فرجام خویش را در ادبیات بیابد و با این که به‌طور حرفه‌ای دیر نویسندگی را آغاز کرد، اما توانست با پشتکار فراوان در آن موفق شود. برای جنگ و تسلیم نشود. اکنون به بهانه انتشار اثری از او به نام «تابستان مرگ و معجزه» با ترجمه نئین نبی‌پور در نشر افق، بر آن شش‌میدم که از رهگذر انعکاس گفت‌وگویش با پارس ریویو؛ با آرا و عقاید او آشنایی بیشتری پیدا کنیم.

آیا این امکان وجود دارد با ویلیام کنت کروگر قبل از روی آوردن به رمان نویسی آشنا شویم؟ کمی از پیشینه و زندگی خودتان بر ما بگویید.

من کولی‌وار زیسته‌ام. سال‌های ابتدایی زندگی را به همراه خانواده‌ام در اطراف آمریکا زیسته‌ام. تا پایان دبیرستانم در هشت نقطه مختلف و شش ایالت زندگی کرده‌ام، اما با این حال تمایل دارم که خانه خود را اورگون بنامم. من بعد از یک سال تحصیل در دانشگاه استنفورد به علت شرکت در تظاهرات دانشجویان در سال ۱۹۷۰ که در مخالفت با جنگ ویتنام بود، بورس‌م را باطل و از آن دانشگاه کناره‌گیری کردم و بعد از آن دو سال را در کالج کلرادو گذراندم.

سپس به کلی تصمیم به ترک تحصیل گرفتیم. در زندگی سعی کردم به همان شغل خود یعنی سیستم حفر چاه و ترمیم لوله‌های فاضلاب مشغول باشم و در آن زمینه کارهای مفیدی را انجام دهم. زمانی که همسرم در رشته حقوق فارغ‌التحصیل شد و مدرکش را دریافت کرد، من ابتدا جزو و کادر اداری دانشگاه و سپس به عنوان مدیر تحقیقاتی آزمایشگاه منصوب شدم، اما بعد از یک سال آن شغل را هم ترک کردم تا بتوانم تمرکزم را روی رمان خودم معطوف کنم و آن را به اتمام برسانم.

نویسندگان به سمت فضاهایی حرکت می‌کنند که کارکرد خاصی برایشان داشته باشد؛ مثلاً شما در بسیاری از آثارتان از تم‌هایی نظیر خانواده، وابستگی خویشاوندی، عدالت و وفاداری سخن می‌گویید. آیا فکری پشت این تم‌ها وجود دارد؟

بله. من عمیقاً به ضرورت برپایی عدالت در جهان اعتقاد دارم. خانواده مهمترین رابطه‌ای است که در طول زندگی‌تان تجربه می‌کنید. بنابراین آن چه که مرا علاقه‌مند به پایبندی به این ایده آل‌ها می‌کند، تلاش برای حفظ آن‌هاست. آن‌هم در جهانی که شمار اوادار به انجام کارهایی می‌کنند که بنا بر میل شما نیست و یا این که شمار اغوامی‌کنند.

موفق‌آید که فضای مصاحبه را با یکسری از پرسش‌ها پاسخ‌های کوتاه عوض کنیم؟

بله، موافقم.

اگر بخواهید زندگی‌تان را در پنج واژه توصیف کنید، چگونه توصیف می‌کنید؟

خانواده، نوشتن، بازخورد، دیسیپلین و رویا که عضو جدایی‌ناپذیر زندگی من است.

توسن‌بزرگ شما چیست؟

از درد جسمی می‌ترسم، و گرنه من تهدیدهای عذاب‌آور تجربه کرده‌ام.

غیر از جایی که در آن سکونت دارید، جای دیگری از جهان را برای زندگی انتخاب کنید، کجا را انتخاب می‌کردید؟

هر جایی که گرم باشد و بتوانید لب ساحل را تماشای دریا لذت ببرید. البته باید اعتراف کنم زمستان‌های مینه‌سوتا هم دوست‌داشتنی است.

اگر می‌توانستید استعدادی کسب کنید، ترجیح می‌دادید در چه زمینه‌ای آن استعداد را کسب کنید؟

بی‌شک دوست داشتم استعداد رامشگری داشته‌م؛ نظیر فرد آستر یا جین کلی.

نویسندگان به سمت فضاهایی حرکت می‌کنند که کارکرد خاصی برایشان داشته باشد؛ مثلاً شما در بسیاری از آثارتان از تم‌هایی نظیر خانواده، وابستگی خویشاوندی، عدالت و وفاداری سخن می‌گویید. آیا فکری پشت این تم‌ها وجود دارد؟

بله. من عمیقاً به ضرورت برپایی عدالت در جهان اعتقاد دارم. خانواده مهمترین رابطه‌ای است که در طول زندگی‌تان تجربه می‌کنید. بنابراین آن چه که مرا علاقه‌مند به پایبندی به این ایده آل‌ها می‌کند، تلاش برای حفظ آن‌هاست. آن‌هم در جهانی که شمار اوادار به انجام کارهایی می‌کنند که بنا بر میل شما نیست و یا این که شمار اغوامی‌کنند.

موفق‌آید که فضای مصاحبه را با یکسری از پرسش‌ها پاسخ‌های کوتاه عوض کنیم؟

بله، موافقم.

اگر بخواهید زندگی‌تان را در پنج واژه توصیف کنید، چگونه توصیف می‌کنید؟

خانواده، نوشتن، بازخورد، دیسیپلین و رویا که عضو جدایی‌ناپذیر زندگی من است.

توسن‌بزرگ شما چیست؟

از درد جسمی می‌ترسم، و گرنه من تهدیدهای عذاب‌آور تجربه کرده‌ام.

غیر از جایی که در آن سکونت دارید، جای دیگری از جهان را برای زندگی انتخاب کنید، کجا را انتخاب می‌کردید؟

هر جایی که گرم باشد و بتوانید لب ساحل را تماشای دریا لذت ببرید. البته باید اعتراف کنم زمستان‌های مینه‌سوتا هم دوست‌داشتنی است.

اگر می‌توانستید استعدادی کسب کنید، ترجیح می‌دادید در چه زمینه‌ای آن استعداد را کسب کنید؟

بی‌شک دوست داشتم استعداد رامشگری داشته‌م؛ نظیر فرد آستر یا جین کلی.

نویسندگان به سمت فضاهایی حرکت می‌کنند که کارکرد خاصی برایشان داشته باشد؛ مثلاً شما در بسیاری از آثارتان از تم‌هایی نظیر خانواده، وابستگی خویشاوندی، عدالت و وفاداری سخن می‌گویید. آیا فکری پشت این تم‌ها وجود دارد؟

بله. من عمیقاً به ضرورت برپایی عدالت در جهان اعتقاد دارم. خانواده مهمترین رابطه‌ای است که در طول زندگی‌تان تجربه می‌کنید. بنابراین آن چه که مرا علاقه‌مند به پایبندی به این ایده آل‌ها می‌کند، تلاش برای حفظ آن‌هاست. آن‌هم در جهانی که شمار اوادار به انجام کارهایی می‌کنند که بنا بر میل شما نیست و یا این که شمار اغوامی‌کنند.

موفق‌آید که فضای مصاحبه را با یکسری از پرسش‌ها پاسخ‌های کوتاه عوض کنیم؟

بله، موافقم.

اگر بخواهید زندگی‌تان را در پنج واژه توصیف کنید، چگونه توصیف می‌کنید؟

خانواده، نوشتن، بازخورد، دیسیپلین و رویا که عضو جدایی‌ناپذیر زندگی من است.

توسن‌بزرگ شما چیست؟

از درد جسمی می‌ترسم، و گرنه من تهدیدهای عذاب‌آور تجربه کرده‌ام.

غیر از جایی که در آن سکونت دارید، جای دیگری از جهان را برای زندگی انتخاب کنید، کجا را انتخاب می‌کردید؟

هر جایی که گرم باشد و بتوانید لب ساحل را تماشای دریا لذت ببرید. البته باید اعتراف کنم زمستان‌های مینه‌سوتا هم دوست‌داشتنی است.

اگر می‌توانستید استعدادی کسب کنید، ترجیح می‌دادید در چه زمینه‌ای آن استعداد را کسب کنید؟

بی‌شک دوست داشتم استعداد رامشگری داشته‌م؛ نظیر فرد آستر یا جین کلی.



فرانک ریمی، مترجم و منتقد

تگزاس و فیلم‌های تگزاسی و بلوز تگزاسی یا صدای جانی وینتر را رها کنید؛ حال زمانش فرا رسیده که در افسانه و روایات آمریکایی غرق شویم. رویایی سرخ رنگ که سبلی تاریخ را با گونه‌هایشان تاب آورند. افسانه‌های قومی که کولی‌وار زیسته و این کولی بودن سبب افتراق میان آن‌ها نشد. در هر نقطه‌ای از سرزمین ۱۵۰ ایالتی که زیستند، نژاد و اصالت خویش را از یاد نبردند و حال ویلیام کنت کروگر، نویسنده «تابستان مرگ و معجزه» که خود با کولی‌وار زیستن غریبه نبوده و نیست به واسطه آثارش با ما از راز نهان سرخ‌پوستان سخن خواهد گفت. آمریکایی چشم‌آبی که خانه خود را اورگون می‌نامد؛ ایالتی در شمال غربی آمریکا که به واسطه رود کلمبیا از شمال به واشنگتن و از شرق به واسطه رود اسکن به آیداهو (ایالتی در غرب آمریکا) و از شمال و جنوب در مجاورت کالیفرنیا و نوادا قرار دارد. ریشه‌ها و آرزوگون اسپانیایی است و در تاریخ آمده است که بسیاری این منطقه را اسپانیایی جدید می‌دانستند و به‌زعم عده‌ای حتی نام این منطقه توسط یک اسپانیایی انتخاب شده است.

آب و هوای این منطقه معتدل و دارای تنوع و پوشش‌های گیاهی و مناظر قابل توجهی است که می‌تواند توجه همگان را به خود جلب کند. منطقه غربی ایالت اورگون آب و هوای اقیانوسی و جنگل‌هایی با پوشش گیاهی بی‌نظیر دارد. آب و هوای اقیانوسی‌اش هم به علت آن است که به‌شدت تحت تأثیر اقیانوس آرام است. یک سوم غربی آن در زستان به شدت مرطوب، در بهار و پاییز نسبتاً مرطوب و در تابستان خشک است. نیمه شرقی اورگون هم دارای رطوبت بسیار کمی است. بسیاری از کارشناسان قدمت این منطقه را بالغ بر ۱۵ هزار سال می‌دانند و حتی در سده هجدهم و نوزدهم بین قدرت‌های اروپایی و ایالات متحده آمریکا بر سر تصاحب این منطقه جدل‌های فراوانی وجود داشت، اما در چهاردهم فوریه ۱۸۵۹ به عنوان ایالت از سوی ایالات متحده

